

تفسیر قرآن

از سنگر ایمان

عبدالرحمن سلیمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب:

اهدا:

به جوان‌مردانی که کمر همت به رهنمایی بشریت به سوی سعادت با کمال درایت بسته اند!

مقدمه

قــرآن، بــه‌عنوان آخــرین و کامــل‌ترین کتــاب آســمانی و قــانون الهــی، ضــامن ســلامتی و ســعادت‌مندی انســان‌ها در دنیــا و عقبــا اســت. امــا، ایــن حقیقــت زمــانی تحقــق می‌یابــد کــه اصلی‌ترین پیام‌ها و گفته‌های آن‌را درک کنیم و به اسرار و رموزات آن پَی ببریم.

یعنــی، فضــایل و برکــات قــرآن زمــانی در اجتماعــات اســلامی هویــدا می‌گــردد کــه پیام‌هــای آن درست تفسیر گردد و اســرار آن چنــان فــاش شــود کــه توســط پیــامبر گرامــی اســلام (ص) در صدر اســلام فــاش گردیــده بــود. دقــت کنیــد، پیــامبر گرامــی اســلام و اصــحاب کــرام، در صورتی‌که امکانات کم و نــاچیز داشــتند، امــا اســلام را بــه اطــراف و اکنــاف جهــان رســاندند و جهان را منور به نور ایمان کردند.

چگونه لشکر اصــحاب توانســتند در زمانی‌کــه حتــا قــرآن به‌صــورت کامــل در اختیارشــان نبــود و قــرآن، در اوراق پراکنــده موجــود بــود، توانســتند اســلام و نــور ایمــان را بــه همــه جهــان منتشــر کننــد، ولــی مــا نتوانســتیم بــا وجــود داشــتن قــرآنِ کامــل و تفاســیر تــدوین شــده و احادیــث مبــارک و فقــه اســلامی، حــداّقل خانــه‌ها و خانواده‌هــای خــودرا منــور بــه نــور ایمــان بسازیم، چرا؟

البته قابل ذکــر اســت کــه برخــی از انســان‌های بــه اصــطلاح دانش‌منــد وجــود دارنــد کــه بــر شخصــیت اصــحاب کــرام می‌تازنــد و بی‌ادبی‌هــای شــیطانی و بی‌جــا می‌کننــد. پســتی و نمــک‌حرامی ایــن انســان‌ها بــه حــدی می‌رســد کــه در مــورد شخصــیت اصــحاب رســول، کســانی‌که جــان و مــال خــودرا فــدای دیــن خداونــد متعــال کردنــد و هرگونــه زحمــت و

ایثارگری را به جان خریدند تا حقیقت‌های اسلامی را به بشر و بشریت برسانند، تاخت و تاز می‌کنند و حتا انگشت ملامتی به طرف آنان می‌گیرند.

باید بدانیم که قضاوت در مورد صحابه و گرفتن انگشت ملامتی به‌سوی آنان، از ظرفیت ایمانی ما بسیار بسیار بالا است و هرکسی‌که این جنایت را می‌کند، پیرو شیطان‌است و رهرو ابوجهل. رسول گرامی اسلام (ص) به صراحت هشدار می‌دهند که در مورد اصحاب من از خدا بترسید و اگر با اصحاب من دشمنی کنید، در حقیقت با من دشمنی کرده‌اید!

به هرحال، از اصل مطلب دور نمی‌شویم و باز می‌گردیم به این حقیقت که چرا اصحاب کرام توانستند با استفاده از این قرآن، جهان را منور به نور ایمان کنند، ولی ما نمی‌توانیم؟

حقیقت این راز را فقط در یک اصل کوتاه و مختصر می‌توانیم مشاهده کنیم و آنهم این‌که، رسول گرامی اسلام (ص)، قرآن را در وجود افراد تفسیر کرده‌است. واضح‌تر اگر بگوییم، پیامبر اسلام، قرآن‌های متحرک را به میراث گذاشته‌است، نه خطوط بی‌جان!

از زمانی‌که مسلمان‌ها، قرآن را در خطوط کتاب‌ها تفسیر کردند، بدبخت شدند و در گرداب‌های مهلک افتیدند.

البته این سخن به معنای مردود شمردن تفاسیر و نوشته‌های اسلامی نیست، چنانچه برخی از مکاران و چرب‌زبانان، از این نوشته‌ها تعبیرات نابجا می‌کنند و طوری جلوه می‌دهند که گویا در این سخن‌ها کتب تفاسیر مردود شده‌اند.

اصـل سـخن اینجاسـت کـه بایـد حقیقـت نـزول قـرآن، کـه همانـا ایجـاد تغییـرات علمـی و عملی در افکار، گفتار و رفتار انسان‌هاست را نباید فراموش کنیم و نادیده بگیریم.

چنانچه قبلاً متذکر شدیم کـه همـین قـرآن را مـا هـم می‌خـوانیم و همـین قـرآن را اصـحاب کرام هم می‌خواندند، اما چـرا آن‌هـا بـا وجـود امکانـات انـدک و مشـکلات فـراوان، توانسـتد کرهٔ زمین را به نور ایمان منور کنند ولـی مـا حـد اقـل در منـور کـردن خانـه‌های خـود ناکـام و شـرمنده و رسـوا هسـتیم؟ و بـه حـدی نـاتوان شـدیم کـه فسـاد و جنایـت در سـطح افـراد، خانواده‌ها و اجتماعات اسلامی بیداد می‌کند.

ایـن مشـکلات و گرفتاری‌هـا و پسـمانی‌ها زمـانی حـل می‌شـوند کـه قـرآن را درسـت و واقعی تفسـیر کـنیم و از مـتن بـه بطـن قـرآن وارد شـویم و آنچـه کـه در بطـن قـرآن وجـود دارد را بیـرون بکشـیم و اسـرار آن را فـاش کـرده و قرآن‌هـای متحـرک تربیـت کنـیم، کسـانی‌که الگـوی راسـتی و ایمـانی باشـند و رفتارشـان معرفـی کننـدهٔ حقیقت‌هـای قرآنـی باشد.

مولانـا جلال‌الـدین محمـد بلخـی (رح)، در توضـیح ایـن حقیقـت، در کـلام مـوزون و ایجـاز خود چنین بیان می‌کند:

ما ز قرآن مغز را برداشتیم

پوست را بر دیگران بگذاشتیم

با تأسف که برخی از کوته‌نظران، به‌جای توجه به اصل پیام این شعر، تعبیرات بعید و غیر حقیقی می‌کنند و می‌گویند که گویا حضرت مولانا (رح) قرآن را به تربوز و یا به خربوزه تشبیه کرده و برایش پوست و مغز قایل شده‌است.

اولاً، لازم نیست در مواردی‌که ما تخصص نداریم و درک ما نمی‌رسد و فهم ما کار نمی‌کند، قضاوت کنیم و جاهلانه تعرضات نماییم. خداوند متعال اینگونه تعرضات جاهلانه را شدیداً نکوهش کرده چنین می‌فرماید:

(**وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ**...) (الإسراء – ۳۶)

و از چیزی پیروی مکن که دانشی به آن نداری.

واضح‌است که انسان‌ها در مورد آنچه‌که علم ندارند، قضاوت جاهلانه می‌کنند و ناآگاهانه به دشمنی می‌پردازند. چنانچه گفته‌اند: (**اَلنَّاسُ عَدُوٌّ لِمَا جَهِلُوا**)؛ انسان‌ها دشمن آنچه هستند که در مورد آن علم ندارند.

دوماً، کلمات پوست و مغز در این شعر، به معنای اصلی آن استفاده نشده، بلکه در معنای استعاری به کار برده شده، که پوست عبارت از ظاهر است و مغز عبارت از حقیقت و باطن.

چون پوست ظاهر می‌باشد و برای همه قابل مشاهده‌است، لذا حضرت مولانا آن‌را در معنای مجازی به‌جای الفاظ قرآن به‌کار برده، و چون مغز پوشیده‌است و قابل دیدن نیست، مولانا نیز آن‌را در معنای مجازی به‌جای فکر و اندیشه و حقیقت قرآن استفاده‌است.

تا زمانی‌که مسلمانان، از ظاهر و لفظ قرآن، به حقیقت و فکر و اندیشه و ایمان قرآن نرسند، هرگز سرافراز نمی‌گردند و نجات نمی‌یابند. چنانچه اصحاب کرام پس از رسیدن به حقیقت قرآن، نجات یافتند و به سعادت ابدی رسیدند، ما هم قرآن‌را در اختیار داریم، اما چون به حقیقت آن نرسیدیم و فقط در الفاظ می‌پیچیم، لذا نجات نمی‌یابیم و روز به‌روز دربه‌در می‌شویم.

این شعر حضرت مولانا (رح) دقیقاً موافق با این حدیث پیامبر گرامی‌است:

(**لِكُلِّ آيَةٍ مِّنْهَا ظَهرٌ وَ بَطْنٌ**)؛ هر آیتی از قرآن را ظاهری‌ست و باطن.

از تمام عزیزان و یاران مؤمن که، در ترتیب این اثر تلاش های بلیغ فرموده اند قلباً سپاسگزاری نموده و هدایت کامل و درجات بلند برای‌شان آرزو دارم.

اعتذار

اسرار قرآن، بحر بی‌کران‌است که هر انسان به اندازۀ درک و توان علمی و معنویِ خود گوشه‌های از رموز آن‌را درک می‌کند.

خداوند متعال را بی‌نهایت سپاس‌گزاریم که ما را توفیق عنایت کرد تا اندکی از این بحر بی‌پایان علم و معرفت از برکت زحمات و تلاش‌های اولیای کرام و خاصان دعوت‌گران بهره‌مند شویم و نکاتی را بنویسیم.

از شما خوانندۀ گرامی تمنا داریم که اگر در جریان مطالعۀ این نوشته به خطایی برخوردید و یا گمان کردید که خطاست، لطفاً سوء تفاهم برای‌تان رخ ندهد و آن را با ما شریک سازید.

تذکر

در گذشته‌ها، نظر به ایجابات و لزوماتِ هر عصر، کتاب و پیامبر فرستاده می‌شد، اما با آمدنِ حضرت محمد مصطفی (ص) و نزول قرآن، این سلسله به پایان رسید و خداوند متعال ساختِ قرآن را طوری طراحی کرده‌است که در هر عصر و زمان، مطابق به نیازمندی‌های بشریت رهنمایی‌های کارساز داشته باشد.

به همین دلیل‌است که پس از گذشت ۱۴ قرن، با وجود نوشته شدن هزاران کتاب در باب توضیح ام‌الکتاب، بازهم گفتنی‌ها و رازهای آن ختم نشده‌است و هنوز گفتنی‌های تازه و تازه‌تر دارد.

پیام‌های قرآن به حـدی وسـیع و عمیق‌اسـت، کـه در هـر زمـان مطالعـه شـود، بـازهم چنـان تازه‌گی و گفتنی دارد که گمان می‌شـود در همـان لحظـه مطـابق بـه نیازمنـدیِ همـان عصـر و زمان نازل شده باشد.

حتا اگر زاویـۀ دیـد خـودرا دقیـق و دقـت خـودرا عمیـق سـازیم، بـه صـراحت می‌گـوییم کـه قرآن، برای هر جامعـه، در هـر مقطـع زمـانی کـه قـرار دارنـد و در هـر مکـان جغرافیـایی کـه زنده‌گی می‌کنند، پیام و گفتنی مطابق به زنده‌گی و پیشرفت‌های‌شان دارد.

یعنـی، قـرآن، بـه مـردم پاکسـتان، مطـابق بـه شـرایط زنـده‌گی شـان پیـام دارد، بـه مـردم افغانسـتان هـم مطـابق بـه نیازمندی‌های‌شـان پیـام دارد، بـه مـردم امریکـا هـم پیـام‌هـای کارساز و سـعادت‌مند دارد و بـه هـر قشـر از اجتماعـاتی کـه در هـر نقطـۀ از کـرۀ زمـین قـرار دارنـد و هرگونـه پیشـرفت‌ها و عقب‌مانـده‌گی‌هایی کـه داشـته باشـند، قـرآن برای‌شـان پیـام دارد. ساخت قـرآن طـوری طراحـی شده‌اسـت کـه هـر انسـان، در هـر زمـان و در هـر مکـان آن را مطالعه کند، چنـان می‌پنـدارد کـه قـرآن، در همـان لحظـه و مطـابق بـه نیازمنـدی‌های همان زمان و مکان نازل شده‌اسـت، چـون ایـن کـلام خداسـت و خـط روشـن بـرای رسـیدن به سلامت و سعادت در دنیا و آخرت!

اما، ای کاش که میدان استدلال به‌صـورت عادلانـه بـاز می‌بـود تـا ایـن حقیقت‌هـا و عظمـت قرآن به انسان‌هـای کـورمغز و سیاه‌دل تثبیـت می‌شـد کـه قـرآن، مربـوط بـه ۱۴ قـرن قبـل نمی‌شـود و بـه عصـر امـروزی نیـز پیام‌هـای زنـده و برازنـده دارد. ولـی دشـمنان بشـریت، مبارزات بسیار شدید انجام می‌دهند تـا حـرف حقیقـت قـرآن بـه گـوش بشـر و بشـریت نرسـد

و ایـن مبارزات‌شـان را خداونـد متعـال فـاش ساخته‌اسـت کـه در موضـوع مربوطـه مطالعـه خواهید کرد.

گذشته از این توضیحات کوتـاه، قابـل ذکـر اسـت کـه آنچـه در ایـن نوشـتهٔ مختصـر مطالعـه می‌کنید تمام حرف‌هـا نیسـت، بلکـه گوشـه‌هایی از حقیقت‌هـا اسـت کـه برای‌تـان می‌رسـد و شـما مکلـف و رسـالت‌مند هسـتید کـه در سـایهٔ تقـوا و طهـارت و ایمـان، رسـالت خـودرا ادا نمایید و تلاش کنید تـا حقیقت‌هـای نـاب قرآنـی را بیاموزیـد و بـه دیگـران برسـانید و هرگـز ناداری و ناتوانی خودرا بهانه نکنید که خداوند متعال مبارزه می‌خواهد نه بهانه!

(**إِنْفِرُوْا خِفَافًا وَ ثِقَالًا وَ جَاهِدُوْا بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ ذٰلِكُمْ خَيْرٌلَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ**) (التوبه – ۴۱)

سُبُک و سنگین برخیزیـد و در راه خداونـد متعـال مبـارزه کنیـد بـا جـان و مـال و هرچـه کـه در توان دارید، این برای شما بهتر است اگر درک بتوانید.

بـیش از ایــن حاشــیه‌روی نمــی‌کنیم و شــما را ســرگردان نمی‌ســازیم و بــازمی‌گردیم بــه توضـیح و تفسـیر برخـی از آیـات قـرآن، کـه رمـوزات عجیبـی را بیـان کرده‌انـد، تـا ایـن توضیحات سبب هشـداری مـؤمنین گـردد و سـبب شـود کـه انسـان‌های آگـاه و دردمنـد نیـز در این راسـتا تـلاش نماینـد تـا هرچـه زودتـر حقیقت‌هـای نـاب قرآنـی بـه بشـریت برسـد و بخصوص امت اسلامی آگاهی‌ها و بیداری‌های لازمی را پیدا کنند.

ممانعت کردن از رفتن به‌سوی مساجد و جاهایی‌که ذکر خداوند متعال می‌شود

یکـی از دشـمنی‌های دشـمنان اسـلام از دیرزمـان تـا این‌حـال، ممانعـت کـردن از رفـتن انسـان‌ها به‌سـوی مسـاجد اسـت و اجـازه نمی‌دهنـد تـا انسـان‌ها به‌سـوی مسـاجد و یـا جاهایی‌که ذکر خداوند متعال در آن‌جا می‌شود بروند.

(وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَاجِدَاللهِ أَن يُذْكَرَ فِيْهَ اسْمُهُ وَ سَعَىٰ فِيْ خَرَابِهَا) (البقره – ۱۱۴)

و کیست ظالم‌تر از کسی‌که از رفـتن به‌سـوی مسـاجد ممانعـت مـی‌کنـد، جایی‌کـه در آن نـام الله متعال گرفته می‌شود و در خراب کردن آن می‌کوشد؟

در باب حقیقت این آیت مبارکه دو نکته را بیان می‌کنیم:

۱. دشـمنان اسـلام در گذشـته‌ها، بـا زور و اجبـار ممانعـت می‌کردنـد و اعـلان جنـگ و دشمنی با کسانی کرده بودند که آن‌هـا بـه سـوی مسـاجد می‌رفتنـد و یـا ذکـر خداونـد متعـال را می‌کردند، امـا پـس از گذشـت زمـان و پختـه شـدن تجـارب دشـمنان دیـن خـدا، دشـمنان اسـلام، مکـار و فریب‌کـار شـدند و بـه‌جای اسـتفاده از زور، از مکـر و حیلـه کـار گرفتنـد. متأسـفانه کـه مسـلمانان در برابـر زورشـان پیـروز شـدند، ولـی در برابـر حیلـه و فریب‌کاری‌شان شکست خوردند.

از زمانـه‌های قـدیم روایـت نمـی‌کنیم، حتمـا داسـتان‌هایی را از زبـان پـدران بزرگوارمـان و دیگـر ریش‌سـفیدان شـنیده‌ایم کـه در زمـان کمونسـت‌ها، هرگـاه کسـی را بـه نمـاز خوانـدن می‌دیدند، اورا زندانی می‌کردند و در نهایت به شهادت می‌رساندند.

کمونستها اعلان مبارزه کرده بودند در برابر کسانیکه به مسجد میروند و ذکر خداوند متعال را میکنند. ملت مسلمان افغانستان نیز در برابرشان جهاد اعلان کردند و پس از چند سال، کمونستها و اتحاد جماهیر شوروی را به یاری خداوند توانا چنان شکست بیشرمانه دادند و کمر این هیولای عظیم جهانی، که امریکا و اروپا در برابرش تسلیم شده بودند را در سطح جهانی شکستاندند.

پس از شکست اتحاد جماهیر شوروی، یهود و نصارا به رهبری انگلیس و امریکا عبرت گرفتند و مبارزات خودرا در برابر مسلمان اعلان نکردند، بلکه دشمنیهای خودرا در لباسهای مختلف ادامه دادند که متأسفانه ملتهای مسلمان در برابر این حیله شکست خوردند و تا زمانیکه بیدار نشوند و اصل چهرهٔ دشمنان را درک نکنند، تا قیامت هم سر افراز و صاحب عزت نمیشوند و همیشه شکار مکاریها و فریبکاریهای دشمنان میشوند.

در عصر حاضر، ظاهرا هیچ ممانعتی در رفتن مساجد نیست، ولی از طرف دیگر، یهود و نصارا در لباسهای مختلف و بهنامهای مختلف، مساجد، مدارس و دیگر جاهاییکه در آن ذکر خداوند متعال میشود را مورد حملات مرگبار قرار میدهند تا مسلمانان را بیزار از رفتن بهسوی مساجد بسازند، که متأسفانه این فریبکاری شان در اثر غفلت مسلمانان، کارساز واقع شدهاست و سخن بهجایی رسیده که امروز خود مسلمانان فرزندانشانرا از رفتن به مساجد ممانعت میکنند و میگویند که به مسجد نروید چون کشته میشوید!

دقــت کنیــد، مســلمانانی‌که دیــروز بــه‌خاطر ممانعــت از مســاجد، در برابــر اتحــاد جمــاهیر شــوروی اعــلان جهــاد دادنــد، امــا امــروز خودشــان فرزندان‌شــان‌را از رفــتن بــه مســاجد و راه خداوند متعال ممانعت می‌کنند و فریب مکر دشمنان را خورده‌اند.

۲. دشــمنان دیــن خــدا درک کرده‌انــد کــه اگــر در برابــر مقدســات اســلامی مبــارزه کننــد، مســلمانان نیــز در برابرشــان مبــارزه می‌کننــد. چنانچــه تــاریخ ثابــت ساخته‌اســت کــه همیشــه مســلمانان در میــدان مبــارزه پیــروز شــده‌اند، لــذا دشــمنان اســلام بــه‌جای مبــارزۀ مســتقیم بــا مســلمانان، تلاش‌هــای خســته‌گی ناپــذیر کردنــد تــا حقیقت‌هــای نــاب اســلام را از اســلام خارج بسازند و به مسلمانان، اسلامی را معرفی کنند که هیچ‌گونه خطری به آنان نباشد.

از همین‌جاست که ایمان، تقوا و طهــارت، مبــارزه و دعــوت، عــدم ســازش بــا دشــمنان اســلام و عــدم پــذیرشِ غــلام و برده‌گــی را از اســلام خــارج ســاختند و بــه مســلمانان، دینــی را رساندند که هیچ‌گونه خطری به آنــان نداشــته باشــد و در ایــن راســتا، فرزنــدان نــاخلف اســلام نیز با دشمنان دین اسلام همکاری کردند.

اگــر ایــن دلیــل نباشــد، پــس چگونــه امکــان دارد کــه در صــدر اســلام، تعــداد بســیار محــدود مسلمانان با امکانات بسیار انــدک، نــور اســلام و ایمــان و عــدالت را بــه کــرۀ زمــین گســترش دهند، ولــی حــدود ۲میلیــارد مســلمان در عصــر حاضــر، حــدّاقل یــک کشــور آزاد اســلامی بــه مفهوم حقیقی و واقعی نداشته باشند؟

واضح‌است که اسـلامِ آنـان خـالص و حقیقـی بـود، ولـی اسـلامِ مـا آمیختـه بـا دروغ، فسـاد، جنایت، خیانت و غیره و غیره فساد و رذایل‌است.

و ایـنهم واضحاسـت کـه تنهـا دیـنِ خـالص مـورد تأییـد و حمایـت خداونـد متعـال قـرار می‌گیرد:

(أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ) (الزمر – ۳)

باخبر باشید که دین خالص، مورد پسند و حمایت خداوند متعال‌است.

مردود شمردن یگدیگر از خواص یهود و نصاراست

یکـی از سـنت‌های یهـود و نصـارا اینسـت کـه این‌هـا خـودرا برتـر و محتـرم می‌شـمارند و دیگــران‌را مــردود و منفــور می‌خواننــد، خداونــد متعــال در توضــیح ایــن مطلــب چنــین می‌فرماید:

(وَ قَالَـتِ الْيَهُـوْدُ لَيْسَـتِ النَّصٰرٰـى عَـلَىٰ شَيْءٍ وَ قَالَـتِ النَّصٰرٰـى لَيْسَـتِ الْيَهُـوْدُ عَـلَىٰ شَيْءٍ وَ هُمْ يَتْلُـوْنَ الْكِتٰـبَ) (البقره – ۱۱۳)

و یهودیان می‌گویند: نصـارا برحـق نیسـتند و نصـارا می‌گوینـد: یهودیـان برحـق نیسـتند، ایـن در حالی‌سـت کـه هـردو گـروه، کتـاب آسـمانی را می‌خواننـد. و از حقیقت‌هـا بـاخبر هسـتند و می‌دانند که نفاق و جدایی در دین خداوند متعال جای ندارد.

با تأسـف کـه ایـن مـرض در میـان مسـلمانان نیـز سـرایت کرده‌اسـت، طوری‌کـه مسـلمانان، گروه گروه شده‌اند و هر گـروه، افـراد خـودرا محتـرم و برحـق و مـؤمن می‌شـمارند و دیگـران مردود می‌دانند و یا باطل.

چنانچه خداوند متعال در ادامهٔ آیت مبارکه بر این حقیقت نیز اشارت می‌کند:

(كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ)

افراد ناآگاه و نادان نیز سخنانی چون سخنان یهود و نصارا بر زبان می‌آورند.

باید بدانیم که فرقه‌سـالاری و گروه‌بـازی در دیـن اسـلام اصـلاً جـای نـدارد و خداونـد متعـال آن‌را از اعمـال یهـود و نصـارا محسـوب کرده‌اسـت. مسـلمانان بایـد وحـدت خـودرا در سـایهٔ توحید و یکتاپرستی حفظ کنند و خودرا برتر و دیگران را حقیر نشمارند.

واضح‌است که هیچ انسانی کامل نیست، ما نباید نواقص انسان‌ها را دلیل بر جدایی و نفاق بگیریم و آن‌را بهانه کنیم برای توهین و تحقیر دیگران. باید بدانیم که دین اسلام برای تمام حالات و مشکلات، راه حل‌های مشخص دارد، ولی متأسفانه که شیطان انسان‌ها را گمراه می‌سازد و هرگز اجازه نمی‌دهد تا انسان‌ها در کنار هم زنده‌گی برادرانه و مسالمت‌آمیز داشته باشند و به بهانه‌های مختلف، ایجاد نفاق و جدایی می‌کند و به انسان‌ها فرصت نمی‌دهد تا بر اساس اصول اسلام حرکت کند و قضاوت نماید. اگر انسان‌ها بر اساس حکم اسلام حرکت می‌کردند و خودخواه و نفس‌پرست نمی‌شدند، مطمئن هستیم که هرگز کم‌ترین نفاق و جدایی و دشمنی در میان مسلمانان رخ نمی‌داد.

خداوند متعال، حقیقت این راز را از زبان حضرت یوسف (ع) چنین بیان می‌کند:

(أَن نَّزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَ بَيْنَ إِخْوَتِيْ) (یوسف – ۱۰۰)

شیطان، میان من و برادرانم فتنه و جدایی انداخت.

چنانچه ملاحظه می‌کنید که شیطان حتا در میان برادران ایجاد اختلافات می‌کند، که این اختلافات را به‌صورت بسیار گسترده و عمیق در میان اکثریت خانواده‌های مسلمانان در عصر حاضر مشاهده می‌کنیم.

قابل یادآوری‌ست که دشمنی با دعوت‌گران راه خدا و کسانی‌که جان و مال و زبان و قلم‌شان‌را در خدمت دین خداوند متعال قرارداده‌اند، سبب هلاکت انسان‌ها می‌گردد. چنانچه عامل اصلی هلاکت بلعم باعوراء، کسی‌که در عبادت و مقام ایمانی خود جوره نداشت، دشمنی‌اش با حضرت موسی (ع) بود.

کسانی‌که یک قدم پیشتر و بیشتر از ما در راه خداوند متعال گذاشته باشد مورد احترام‌است که خداوند متعال در این باب چنین آموزش می‌دهد:

(وَالَّذِيْنَ جَاءُوْا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَا اغْفِرْلَنَا وَ لِإِخْوَانِنَاالَّذِيْنَ سَبَقُوْنَا بِالْإِيْمَانِ وَ لَا تَجْعَلْ فِيْ قُلُوْبِنَا غِلًّا لِّلَّذِيْنَ آمَنُوْا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوْفٌ رَّحِيْمٌ) (الحشر – ۱۰)

و کسانی‌که پس از ایشان می‌آیند که می‌گویند: ای پروردگارمان! ما و برادران‌مان‌را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند، بیامرز و در دل‌های‌مان هیچ کینه‌یی نسبت به مؤمنان قرار مده، ای پروردگارمان! بیشک تو، بخشایندهٔ مهربانی.

این‌را هم باید بدانیم، کسانی‌که پس از ما می‌آیند و استعداد شگوفا داشته باشند، ما هرگز اجازهٔ کوبیدن و تحقیر کردن آنان را نداریم و نباید مانع به رشد و شگوفایی آنان شویم و حتا تلاش نماییم تا استعداد آنان بیش‌تر شگوفاتر و درخشنده‌تر گردد. ولی متأسفانه که به این رموزات و رهنمایی‌های قرآنی توجه صورت نمی‌گیرد و هرکس تلاش می‌کند تا خودش برتر باشد و دیگران تحت قدم‌هایش، البته به استثنای مؤمنین حقیقی و واقعی که تعدادشان بسیار بسیار اندک‌است.

قوم بنی‌اسرائیل در عصر حاضر

یکـی از داسـتان‌هایی‌که بسـیار مشـهور اسـت و در بسـیاری از جاهـای قـرآن وجـود دارد، داستان قوم بنی‌اسرائیل‌است.

این‌کـه چـرا داسـتان‌های بنی‌اسـرائیل در قـرآن بسـیار آمده‌اسـت؟ و آیـا بنی‌اسـرائیل یـک قوم‌اسـت یـا یـک نمـاد؟ مباحثی‌سـت کـه پیچیـدن روی آن‌هـا مـا را از اصـل موضـوع دور می‌سازد و مورد بحث در نوشتهٔ فعلی ما نیست.

قابل ذکر است که هرچند آیـات قـرآن کـریم در زمـان و مکـان خـاص و بـه دلایـل خـاص و خطـاب بـه قـوم و افـراد خـاص نـازل شـده‌اند، امـا هرگـز حکـم آن خـاص نبـوده و تـا دام قیامت جاری‌ست.

یعنـی، اگـر داسـتان بنی‌اسـرائیل در قـرآن، خطـاب بـه قـوم خاصی‌اسـت کـه در زمانـه‌های گذشته زنـده‌گی می‌کردنـد، ولـی حکـم آن بـه تمـام افـراد و اقـوامی کـه بعـد از بنی‌اسـرائیل می‌آینـد و عـادات و خـواص بنی‌اسـرائیل در سـلوک و رفتارشـان مشـاهده می‌شـوند قابـل تطبیق‌است.

چنانچـه بسـیاری از عـادات و رفتارهـای بنی‌اسـرائیل در سـلوک مسـلمانان عصـر حاضـر نیـز مشاهده می‌شود.

کتمان حـق، تکـذیب حـق، تحریـف حـق، کشـتن دعـوتگرانِ حـق، شکسـتن عهـد و پیمـان، عمل کردن به برخـی از قـرآن و عـدم تطبیـق برخـی از احکامـات و دسـاتیر قـرآن، سسـتی و تنبلـی در مبـارزه بـه‌خاطر اعـلای کلمـت‌الله، عـدم حمایـت از دعـوتگران حـق، سـکوت در

برابـر ظلـم و اسـتبداد و عـدم دفـاع از حقـوق خـود، نفـاق و جـدایی، قتـل و قتـال یکـدیگر، عـدم احتـرام بـه والـدین، عـدم شـفقت و همکـاری بـا فقـرا و مسـاکین، سـختی دل، عـدم شـکرانه‌گی نعمـات الهـی، نافرمـانی از دعـوتگران حـق و... همـه و همـه از خـواص قـوم بنی‌اسرائیل‌اسـت کـه در آیـات قـرآن واضـح بیـان شـده‌اند و تمـام ایـن مـوارد در وجـود اکثریـت از مسـلمانان عصـر حاضـر بـه مشـاهده می‌رسـد و اگـر خـودرا اصـلاح نکنـیم و در مسیر قرآن صادقانه گـام نگـذاریم، همانگونـه کـه قـوم بنی‌اسـرائیل هـلاک و ملعـون شـدند، ما هم هلاک می‌شویم و ملعون!

بدنام‌سازی و کشتن دعوتگران، یکی از حیله‌های استعمارگران‌است

پیامبران الهی، رسالت داشتند تا بشریت را از چنگال شیاطین جنی و انسی نجات داده و در مسیر خداوند متعال سوق دهند.

پس از پیامبران، این رسالت به دوش دعوتگران راه حق و حقیقت قرار گرفت تا بشریت را به‌سوی سلامتی و سعادت‌مندیِ ابدی سوق دهند و در برابر شیطان و لشکر آن مبارزه کنند.

واضح‌است که هرگاه بحث مبارزه در میان آید، هر گروه تلاش می‌کند تا پیروز شود و دشمنان خودرا نابود کند. چون باطل هرگز نمی‌تواند در برابر حق پیروز شود، لذا شیاطین از مکرها و حیله‌های مختلف برای پیروزی استفاده کردند و می‌کنند.

باتأسف که چهرۀ شیاطین و مکر آن‌ها از محتوای آیات قرآن آنگونه که باید معرفی می‌شد نشد، به همین دلیل، مسلمانان در برابر مکر لشکر شیاطین شکست خوردند و عظمت دینی و سیاسی خودرا از دست دادند.

یکی از فریب‌کاری‌های لشکر شیاطین، تشخیص نخبه‌گان در سطح امت اسلامی‌است تا آنان را بدنام سازند و سپس دستور به قتل آنان بدهند. چون آن‌ها درک کرده‌اند که هرگاه نخبه‌گان یک ملت را از بین ببرند، خود ملت‌ها هیچ کاری نمی‌توانند و تن به غلامی و تسلیمی می‌دهند.

بـرای درک حقیقـت ایـن موضـوع، کافی‌سـت کـه داسـتان‌های شخصـیت‌های اسـلامی را مطالعه کنیم تـا درک کنـیم کـه اوج فتنـه‌ها و غفلت‌هـای ملت‌هـای مسـلمان تـا چـه انـدازه بـود! ایـن غفلت‌هـا بـه حـدی بـود، کـه ملت‌هـای مسـلمان بـه‌جای حمایـت از بزرگـان و نخبه‌گان دلسوز خـود، از دشـمنان خـود حمایـت کردنـد و نخبه‌گان‌شـان‌را یـا تبعیـد کردنـد و یا شهید ساختند.

داسـتان شـهید سـید جمال‌الـدین افغـان، کـاملا ایـن حقیقـت را روشـن می‌سـازد، کـه ملـت افغانسـتان بـه‌جای حمایـت از آن، تحـت تـأثیر تبلیغـات دشـمنان قـرار گرفتنـد و القـاب عجیـب و فتواهـای ناجوان‌مردانـه علیـه آن صـادر کردنـد و او را مجبـور سـاختند تـا تمـام عمـرش را در تبعیـد و دور از خانـه و وطـن سـپری کنـد و بلآخـره در ترکیـه، توسـط دسـتگاه دولت فاسد و جنایت‌کار اتاترک به شهادت برسد.

اگر ملـت افغانسـتان، آیـات قـرآن را درسـت درک می‌کردنـد، مکاری‌هـای لشـکریان شـیطان را می‌دانسـتند و از شخصـیت‌هایی چـون سـیدجمال‌الدین افغـان حمایـت می‌کردنـد، بیشـک کـه امـروز وضعیت‌شـان اینقـدر نـاگوار و ناپسـند نمی‌بـود و زنـده‌گی آبرومنـد و سـرافراز می‌داشتند.

صـد افسـوس کـه حقیقت‌هـای قـرآن در خـود قـرآن بـاقی ماندنـد و بشـریت از آن بی‌خبـر نگه‌داشـته شـدند و مسـلمانان نیـز در آمـوزش و آمـوختن ایـن حقیقت‌هـای نـاب و نایـاب قرآنی فوق‌العاده غفلت کردند و هنوز هم غافل هستند.

سـیدجمال‌الدین شـهید را بـه حیـث نمونـه یـادآور شـدیم، وگرنـه اگـر یـک نظـر عمیـق بـه تـاریخ معاصـر بینـدازیم، درک مـی‌کنیم کـه بسـیاری از نخبـه‌های اسـلامی و شخصـیت‌های

بزرگـی کـه ظرفیـت نجـات ملت‌هـا را از گـرداب اسـتعمارگران و مـرداب شـیطان داشـتند، قربانی این مکر و حیلۀ لشکر شیطان شده‌اند.

بیشـتر بـه حاشـیه نمـی‌رویم و برمی‌گـردیم بـه آیـت مبارکـه کـه بـه وضـاحت و صـراحت، حقیقت این مکر را فاش می‌سازد:

(وَ قَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُوْنِيْ أَقْتُلْ مُوْسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّيْ أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ دِيْنَكُمْ أَوْ أَن يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ) (غـافر – ۲۶)

و فرعـون گفـت: مـرا بگذاریـد تـا حضـرت موسـی (ع) را بکشـم و او پروردگـارش را بـرای نجات بـه فریـاد بخوانـد، مـن می‌ترسـم دین‌تـان را تغییـر دهـد یـا در ایـن سـرزمین فسـاد و تباهی پدید آورد.

حقیقـت اینسـت کـه، فرعـون تصـمیم بـه کشـتن حضـرت موسـی (ع) گرفته‌اسـت، چـون موسـی (ع) بزرگ‌تـرین مزاحمـت در برابـر اربـابی و فرعونیـت اوسـت. امـا، بـرای این‌کـه اذهـان عمـوم مـردم را نسـبت بـه موسـی (ع) منحـرف کنـد و جایگـاه حضـرت موسـی را در میـان ملت‌هـا از بـین ببـرد و جنایـات خـودرا توجیـه کنـد، ایـن سـخنانِ بی‌جـا و بیهـوده را می‌گوید و علیه موسی (ع) تبلیغات می‌کند.

در عصر حاضر نیز دشـمنان اسـلام در لبـاس اسـلام از ایـن مکـر فرعونیـت بـه نفـع اسـتکبار جهـانی کـار می‌گیرنـد و مسـلمانان حقیقـی را مـتهم بـه جاسوسـی، فسـاد، نفـاق، کفـر و... می‌کننـد، و چـون اکثریـت مسـلمانان از حقیقـت ایـن آیـت مبارکـه و مکـر فرعـون خبـر ندارند، لذا تحت تأثیر قرار می‌گیرند و فریب می‌خورند.

اجازه ندادن به شنیدن پیام قرآن

(وَ قَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَا تَسْمَعُوْا لِهٰذَالْقُرْآنِ وَالْغَوْ فِيْهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُوْنَ) (فصلت – ۲۶)

کافران گفتند: به این قرآن گوش ندهید و هنگام تلاوتش به بیهوده‌گویی و جار و جنجال بپردازید تا پیروز شوید.

هرگاه دشمنان بشریت درک کردند که قرآن ظرفیت ایجاد انقلابات را در اجتماعات انسانی دارد و پیام‌هایش، بشر و بشریت را دگرگون می‌سازد و فهمیدند که قرآن، قوی‌ترین سلاح مسلمانان در مبارزه بر علیه شیطان و لشکریانش‌است، لذا شدیدترین مبارزات خودرا در برابر آن شروع کردند و بسیار تلاش نمودند تا به هرقیمتی که شود جلو پیام‌های آن را بگیرند و اجازه ندهند تا پیام‌های قرآن به گوش و هوش بشریت برسد تا سبب هدایت‌شان نگردد.

خداوند متعال در توضیح این مبارزات دشمنان بشریت چنین می‌فرماید:

(إِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يُنْفِقُوْنَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللهِ) (الأنفال – ۳۶)

کافران اموال‌شان‌را مصرف می‌کنند تا در راه الله متعال ممانعت ایجاد کنند.

در زمانه‌های گذشته، این مبارزات نسبتاً به اشکال ساده‌تر بود، طوری‌که اطفال را مأموریت می‌دادند تا در هنگام تلاوت پیامبر گرامی اسلام (ص)، سروصدا کنند و فریاد بزنند تا مانع رسیدن قرآن به گوش دیگران شوند، و یا اشخاصی را مأمور می‌ساختند تا هرجایی‌که پیامبر گرامی اسلام (ص) به دعوت می‌رفتند، آن‌ها هم می‌رفتند و انسان‌ها را به تبلیغات پوچ و بی‌معنا و قصه‌ها و داستان‌ها مشغول می‌کردند تا تأثیر حرف‌های

پیـامبر (ص) کـم و کم‌تـر شـود، کـه نضـر بـن حـارث یکـی از ایـن اشـخاص بـود. خداونـد متعال در توضیح این مطلب چنین بیان می‌کند:

(وَ مِنَ النَّاسِ مَن يُشْتَرِیْ لَهْوَی الْحَدِيْثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيْلِ اللهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ...) (لقمان – ۶)

و از مردم کسی هست که خریـدار سـخنان یـاوه و سـرگرم کننده‌است تـا بـه نـادانی و بـدون هیچ دانشی، مردم را از راه الله گمراه کنند...

امـا، پـس از این‌کـه دشـمنان اسـلام بـا مکـر و حیلـه‌های گونـاگون آشـنا شـدند، سـبک مبـارزاتی خـودرا در برابـر اسـلام و قـرآن تغییـر دادنـد و بـه‌جای زورآزمـایی، از فریب‌کـاری استفاده کردنـد کـه مـا به‌صـورت خلاصـه و نمونـه بـه چنـد نـوعی از آن اشـاره مـی‌کنیم بـه توفیق خداوند متعال.

۱. ترویج رسانه‌ها و به اختیار قرار دادن آن به عموم مردم.

یکـی از ترفنـدهای مهلـک و مرگ‌بـار دشـمنان بشـریت، تـرویج رسانه‌هاسـت. هرچنـد کـه صـحبت در مـورد حقیقـت رسـانه‌ها و نقـش آن در جنـگ جهـانی فعلـی و کنتـرول اذهـان توسـط آن، از ظرفیـت ایـن نوشـتهٔ مختصـر خارج‌اسـت و ایـن مطالـب را در مسـایل مخصوصهٔشان بیان خواهیم کرد به توفیق خداوند متعال.

دقـت کنیـد، کشـوری‌که خـدمات لازمـی غـذایی و صـحیِ کـافی نـدارد، ولـی رسـانه‌ها در اکثریت نقاط آن رسیده‌است، چرا؟

چـرا در مناطقی‌کـه نیـاز بسـیار شـدید بـه خـدمات غـذایی و صحی‌اسـت، بـه‌جای پیشـرفت زراعت و صحت و امورات اولیهٔ زنده‌گی، به پیشرفت رسانه‌ها توجه صورت می‌گیرد؟

اکثریت خانواده‌هایی که از امکانات عادی زنده‌گی بهره‌مند نیستند و در فقر و محرومیت زنده‌گی می‌کنند، ولی تلویزیون دارند و یا تلیفون می‌داشته باشند و از رسانه‌ها استفاده می‌کنند.

در رسانه‌ها چیست؟ جز دروغ، فحشا، پخش و نشر ترس و اضطراب و ناامیدی.

تمام رسانه‌ها، در سطح جهانی دروغ می‌گویند و مستقیم و یا غیر مستقیم وابسته به کفر جهانی و دشمنان دین و انسانیت هستند و هرگز راست نمی‌گویند و همیشه به نفع دشمنان و به ضرر اسلامیت و انسانیت نشرات می‌داشته باشند، اما ای کاش که حقیقت این موضوع درک می‌شد.

به هرحال، آنچه‌که در نوشتهٔ فعلی مورد نظرماست اینست که این رسانه‌ها، انسان‌ها را از یاد خداوند متعال و رفتن به‌سوی خداوند متعال و توجه به پیام‌های خداوند متعال بسیار دور کرده و انسان‌ها را چنان مشغول به خود نموده که اصلاً توجه به حقیقت‌های زنده‌گی صورت نمی‌گیرد و همه را به دام انداخته‌است.

چنانچه بسیاری از مسلمان‌ها به چند دقیقه تلاوت قرآن فرصت ندارند، ولی ساعت‌ها مشغول به دیدن فلم‌های مزخرف و بیهوده و فاحش، فرصت می‌کنند و شب و روز مصروف دیدن فلم و سریال و یا کارکردن در تلیفون می‌باشند.

عمق این فاجعه به حدی‌است که اکثریت از جوانان را نه فقط از دین دور کرده‌است، بلکه از پیشرفت‌های علمی نیز دور نموده و جوانان را تنبل و غافل و بی‌کاره ساخته و عملاً مشاهده می‌کنیم که میزان ناکامی و کم‌توجهی به پیشرفت علوم تا چه سرحد عمیق شده‌است و زود است که همهٔ جوانان مسلمان را از علم و معرفت دور سازد و به

فحشا و بی‌کاره‌گی و غفلت سوق دهد! و اگر آگاه نشویم و به بیداری جوانان، آگاهانه و مسؤولانه مبارزه نکنیم، به‌زودی شاهد بدترین فجایع خواهیم بود.

۲. حیلهٔ دیگر استکبار جهانی به‌خاطر ممانعت از پخش و نشر حقیقت‌های قرآنی، شبیه‌سازی‌است.

یعنی، افراد و گروه‌ها را تربیت و ترویج کردند که آن‌ها در لباس اسلام، علیه اسلام فعالیت کنند و طوری مسلمانان را از حقیقت‌های دینی دور سازند که اصلاً کسی درک هم نتوانند. و همه خوشحال باشند که در راه اسلام حرکت دارند، در حالی‌که از حقیقت اسلام بسیار دور شده‌اند. خداوند مهربان (ج) در مورد بیان حقیقت این راز چه زیبا می‌فرماید:

(وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَٰنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ) (الزخرف – ۳۶)

و هر کس از یاد پروردگار رحمان غافل شود، شیطانی بر او می‌گماریم که همواره همراه اوست.

(وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ) (الزخرف – ۳۷)

و شیطان‌ها چنن کسانی را از راه الله باز می‌دارند؛ در حالی که چنین کسانی خود را هدایت یافته می‌پندارند.

(حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ) (الزخرف – ۳۸)

تا آن‌که چنین کسی نزدمان می‌آید؛ در آن هنگام می‌گوید: ای کاش میان من و تو ای شیطانِ هم‌نشینم به اندازه‌ی شرق و غرب فاصله بود؛ چه هم‌نشین بدی بودی!

دشمنان اسلام به‌خوبی دانستند که اگر مستقیماً با حق مواجه شوند و در برابر آن قرار بگیرند، هرگز پیروز نمی‌شوند و شکست می‌خورند. چنانچه در عصر پیامبر (ص) شکست‌های بی‌شرمانه خوردند و شأن و شوکت‌شان تحت قدم‌های اصحاب کرام پایمال شد و نابود گردید. بنابراین، تصمیم گرفتند تا اسلام را از درون منفجر سازند و مسلمانان را از حقیقت دور نمایند تا طوری گمراه شوند که خودشان احساس نتوانند.

واقعاً که از میان صدها صدا و گروهی که همه لباس اسلام بر تن دارند و خودرا مسلمان‌ترین و برحق‌ترین می‌شمارند، دریافت اصل حق و حقیقت بسیار دشوار است.

اگر حدود دو میلیارد مسلمان امروزی، واقعا به محور یک حقیقت و اصل اسلام می‌چرخیدند، امروز ما شاهد اینهمه بدبختی‌ها و عقب‌مانی‌ها نبودیم، بلکه مسلمانان و جهان اسلام، صاحب چنان عزت و سرافرازی می‌بودند که هیچ دشمنی جرأت زیان رساندن به آنان را نمی‌داشت. چنانچه اصحاب کرام باوجودی‌که تعدادشان بسیار اندک بود، ولی چون به محور اصل قرآن چرخیدند، تقریباً کل جهان‌را به نور ایمان مشرف ساختند و چنان عزت و قوتی داشتند که تا دام قیامت برای انسان‌ها الگوست.

این حقیقت به وضاحت توضیح می‌دهد که دو میلیارد مسلمان کنونی به محور اصل اسلام و قرآن قرار ندارند، بلکه در اثر غفلت‌هایی که کردند، و به دلیل عدم توجه‌شان به حقیقت‌های پیام قرآن، قربانیِ این حیلهٔ دشمنان اسلام شدند و به‌نام اسلام، از اصل اسلام دور شدند. تا زمانی‌که چون اصحاب کرام به محور حقیقت قرآن جمع نشویم و متحدانه در راه اعلای کلمت‌الله مبارزه نکنیم، نجات نمی‌یابیم.

(فَإِنْ آمَنُوْا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوا وَّ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِيْ شِقَاقٍ) (البقره – ۱۳۷)

اگر همانند شما، به آنچه‌که شما ایمان آورده‌اید، آنان نیز ایمان بیاورند، به یقین که هدایت می‌شوند و آنگونه که شما حمایت شدید و نجات یافتید، آن‌ها نیز حمایت می‌شوند و نجات می‌یابند، و اگر از حق روی‌گردانی کنند، پس راه مخالفت و دشمنی را در پیش گرفته‌اند.

اکنون زمان آنست که با درک این حقیقت‌ها، دوباره به اصل قرآن برگردیم تا دوباره صاحب عزت و سرافرازی و سعادت‌مندی شویم. چانچه خداوند متعال به صراحت می‌فرماید:

(عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَّرْحَمَكُمْ وَ إِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا) (الإسراء – ۸)

امید است که الله ر شما رحم کند. و اگر دوباره به‌سوی نافرمانی بازگردید، دوباره مجازات‌تان می‌کنیم.

چشم قرآن

در کنار تمام تعاریفی‌که برای قرآن ارایه شده‌است، یکی از تعریفات جالب و حیاتیِ قرآن، کارکرد قرآن به حیث چشم‌است.

لازم‌است بدانیم که چشم، یکی از عناصر حیاتیِ بدن انسان‌هاست و اگر چشم نباشد، بسیاری از مؤفقیت‌ها ناممکن می‌شود و زنده‌گی انسانی با مشکلات بسیار زیادی مواجه می‌گردد.

اگر به یک لحظه چشمان خودرا بسته نگهدارید، دنیا برای‌تان تاریک می‌شود و رفتن از یکجا به جای دیگر برای‌تان بسیار دشوار می‌گردد.

اگر انسان نابینا بخواهد سفر کند، اصلاً امکان ندارد که سفر سلامت داشته باشد و در کنار تمام دشواری‌ها، امکان هلاکت و نابودیِ آن نیز وجود دارد.

اگر در کوچه و بازار با چشمان نابینا قدم بزنیم، به سنگ و دیوار برخورد می‌کنیم و اگر کسی دستان‌مان‌را نگیرد و همراهی نکند، ممکن نیست که بسلامت به جایی برسیم.

اگر چشمان ظاهری، مارا در ابعاد مادی زنده‌گی کمک می‌کند، چشمان قرآن، در ابعاد معنوی برای ما کارساز است و ما در مسیر حرکت به‌سوی خداوند متعال و رفتن به مسیر سلامتی و سعادت‌مندی، نیازمند به چشم قرآنی هستیم.

با تأسف که در اثر نبود چشم قرآن در وجود مسلمانان، امت مسلمه دچار مشکلات فراوان شده‌اند و لحظه و به لحظه در گودال‌های گمراهی‌ها غرق می‌شوند.

دور شـدن و غافـل شـدن از خداونـد متعـال، نبـود تقـوا و طهـارت و ایمـان، نبـود وحـدت و بـرادری، نبـود اخـلاق و صـداقت و عـدالت و ... همـه و همـه بـه ایـن دلیل‌اسـت کـه مـا صاحب چشم قرآنی نیستیم.

خداوند متعال در مورد قرآن به حیث چشم چنین می‌فرماید:

(**هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ**) (جاثیه ـ ۲۰)

ایـن (قـرآن) بصـیرت بـرای بشـریت اسـت، و هـدایت و رحمـت بـرای گروهـی کـه یقـین می‌کنند.

مباحث بیشـتر در مـورد ایـن آیـت مبارکـه و این‌کـه چگونـه می‌تـوانیم صـاحب چشـم قرآنـی شویم را در نوشتهٔ مستقل تحـت عنـوان (**آشـنایی بـا کـلام آسـمانی**) می‌توانیـد مطالعـه کنید.

لشکر فرعون

لازم‌است تا به برخی از خصوصیت‌های لشکر فرعون که در قرآن آمده‌است اشاره کنیم، تا درک عمیق از فرعونیان داشته باشیم.

هرچند که در بسیاری از آیات قرآن در مورد فرعون و فرعونیان صحبت شده‌است و چهره‌های پلید شان بسیار زیبا و واضح به معرفی گرفته شده‌است، اما، ما به‌طور خلاصه به آن اشاره می‌کنیم و مطالعات بیشتر در این زمینه را به قلوب آگاه می‌گذاریم تا پس از درک حقیقت‌ها، دیگران را نیز آگاه بسازند.

بدنام‌سازی و کشتن دعوتگران راه حق، ایجاد نفاق و جدایی در میان ملت‌های واحد تا با این مکر و حیله آن‌ها را از هم جدا کرده و ضعیف نمایند و همه را نابود و هلاک سازند، قتل و کشتار، تجاوز بر نوامیس، غلام و کنیز سازی ملت‌های تحت حکمرانی‌شان و... از ویژه‌گی‌های فرعون و فرعونیان در هر زمان‌است.

هر زمانی‌که لشکریان فرعون در هر نقطه‌یی از کرهٔ زمین به حاکمیت برسند، تمام موارد یادشده دانه دانه در سلوک و رفتارشان دیده می‌شود و تا زمانی‌که چون موسی (ع) در برابر آن‌ها مبارزات پیگیر و خسته‌گی ناپذیر نکنیم، هرگز نجات نمی‌یابیم.

نتیجه

قـرآن، کتـاب هـدایت و شـفا و رحمـت و نجـات و سـلامت و سعادت‌اسـت، امـا به‌شـرطی‌که حقیقت‌های آن درک شود و در مسیر آن حرکت صورت گیرد.

یعنی، زمانی قرآن عامل نجات می‌گردد که به حقیقت پیام‌های آن توجه صورت بگیرد.

اگـــر اصـــلی‌ترین عامـــل پیشـــرفت‌ها و ســـرافرازی‌های اصـــحاب کـــرام و شکســـت‌ها و دربه‌دری‌های ما را در یک جمله خلاصه کنیم، به صراحت می‌گوییم که،

اصحاب کرام قرآن‌را در وجـود خـود تفسـیر می‌کردنـد و مـا قـرآن‌را در روی کاغذ تفسیر می‌کنیم!

پیشنهاد

لازم‌است تا ابتدا تمـام کاسـتی‌ها و غفلت‌هـای خـودرا قلبـاً درک کنـیم و بپـذیریم، سـپس بـه حـل ایـن مشـکلات اقـدامات علمـی و عملـی را به‌صـورت پیگیـر و خسـته‌گی ناپـذیر انجـام دهیم.

آنچه‌کـه در ایـن نوشـتۀ مختصـر بیـان شده‌اسـت، حقایقی‌سـت کـه از میـان هـزاران آیـت قـرآن به‌صـورت نمونـه یـادآوری شـده تـا در روشـنی آن، بـه اصـل پیام‌هـای قـرآن توجـه صورت بگیرد و تلاش شود کـه قـرآن، مطـابق بـه نیازمنـدی‌های عصـر حاضـر تفسـیر گـردد تا سـبب روشـنایی اذهـان و قلـوب مسـلمانان گـردد و باعـث شـود کـه مسـلمانان در روشـنی

پیام‌هـای آن، انقلابـات علمـی و عملـی را ماننـد اصـحاب کـرام در سـطح منطقـه و جهـان راه‌اندازی کنند.

محبوب خدا حضرت محمد مصطفی ﷺ می‌فرماید:

هدیه بدهید تا محبت میانتان بیشتر شود.

چه زیباست که این رساله را بعد از خواندن به عزیزان‌تان هدیه نمایید.

❋❋❋